

# تکرارهای تاریخی در ایران



• الهه کولایی

مطالعه مسایل و مشکلات ایران دوره قاجار، نشان می دهد بسیاری از مشکلاتی که جامعه ما همچنان با آن دست به گریبان است، از نخستین سال های رویارویی ایرانیان با نوشتن و توگرایی، همچنان با برجا مانده است. ایرانیان از این دوره، در پی چرایی و ارایه راه حل برای بیماری عقبماندگی ایران برآمدند. بخش مهمی از این مباحث در دوره پیش از مشروطه به وسیله افرادی مانند میرزا ملکم خان، میرزا فتحعلی خان آخوندزاده، طالبوف تبریزی، میرزا آقاخان کرمانی و... شکل گرفت. پیش از آنان همانند سراسر جهان اسلام، این سوال افراد اندکی مانند سید جمال الدین اسدآبادی را به توجه و دقت در مورد علل و عوامل عقبماندگی جوامع اسلامی کشانده بود. ولی در جریان بحثها و تلاش های انجام شده، عوامل و عناصر فرهنگی پیشرفت کمتر از دیگر مولفه ها، نظر تلاشگران این دوران را به خود جلب کرد. «فرهنگ» به عنوان یک بپچیده ای شامل آگاهی ها، باورها، هنر، اخلاق و همه قابلیت ها و عادت هایی که انسان به عنوان عضو جامعه کسب می کند، در میان مباحث مورد نظر کسانی که در این دوره در پی تغییر جامعه ایرانی برآمدند، نبود با دست کم توجه چندانی به آن وجود نداشت. فرهنگ یک جامعه می تواند مولفه های بسیاری برای پیشرفت و توسعه دربر داشته باشد و فرهنگ دیگری از این بابت در تنگنا باشد. با پرورش و تولید مولفه های فرهنگی پیشرفت و بازتولید سنت هایی که محرک پیشرفت هستند، می توان به افراد جوامع در حال رشد شخصیتی جدید بخشید تا راه پیشرفت جامعه هموار شود.

ایران دوره مظفرالدین شاه کشوری عقبمانده بود. اگر چه فناوری های همچون تلگراف، چراغ گاز و ضرابخانه وارد کشور شده بود، اما شماری اندک از نخبگان ایرانی بودند که فارغ از منافع شخصی، دغدغه پیشرفت و ترقی ایران را داشتند. تلاش نخبگانی چون قائم مقام و امیر کبیر برای بسازاری ایران، با حذف فیزیکی آنها به پایان رسید. میرزا حسین خان سپهسالار اگر چه کشته نشد، اما عاقبتی خوش نیز نداشت. تلاش های امین الدوله در زمان مظفرالدین شاه هم نافرجام ماند. یکی از عمده دلایل عقبماندگی ایران این بود که قدرت سیاسی همچون صدها و هزاران سال پیش همچنان شخصی مانده بود و هیچ تحرک و پویایی در آن دیده نمی شد.

سفرهای بسیار ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه به اروپا هیچ چیز، جز بدهی های کلان و خالی کردن خزانه برای مملکت نداشت. انگلیس نوعی سرمایه گذاری در ایران محسوب می شد. این وامها نه تنها معامله هایی پرسود، بلکه وسیله ای برای عقد قراردادهای تجاری پرسود، به دست آوردن امتیازهای سیاسی و افزایش تسلط سیاسی و اقتصادی بر ایران بود. تفرقه و رقابت سیاسیون ایران در این دوره که هیچ گونه قاعده ای بر آن حاکم نبود، بیش از پیش بر از دست دادن فرصت برای پیشرفت و ترقی کشور می افزود. از سوی دیگر، هر گونه اقدامی جهت ورود مولفه های جدید تمدن، همچون مدارس جدید با مقاومت شدید نیروهای سنتی روبرو می شد. قطعی های بی دریغی جمعیت زیادی از کشور را به کام مرگ فرستاده بود. فساد، رشوه خواری و احتکار در کشور بیداد می کرد.

در عرصه اقتصادی، ورود بیگانگان به ایران و تسلط دو قدرت شمالی و جنوبی، وضعیت اقتصادی کشور را به شدت تحت تاثیر قرار داده بود. اقتصاد ایران مبتنی بر کشاورزی معیشتی بود. ضمن اینکه صنایع دستی و کارگاهی در ایران رواج داشت. این

صنایع در دوره صفویان در اوج هنری و تکنیکی خود بود که در پرتو اعاده نظم به وسیله نخستین سلاطین قاجار دوباره پا گرفت. اما به تدریج، ورود کالاهای ارزان و متنوع خارجی آنها را از رونق انداخت و انحطاط صنایع دستی را در پی آورد. انگلستان پیش از رقیب شمالی خود بر اقتصاد ایران چیره شد. در پایان نیمه اول قرن نوزدهم با تسلط هر چه بیشتر روسیه بر ایران و جایگزینی رخنه اقتصادی این کشور به جای فشار نظامی «امپریالیسم روبل» بر ایران چیره شد.

«بازی بزرگ» روس و انگلیس بسیاری از سیاسیون ایران را مهره های دو قدرت شمالی و جنوبی کرده بود. در وضعیت نیمه استعماری ایران، دنیویروی متخاصم استعماری در حوزه های نفوذ سیاسی و اقتصادی خویش رویاروی یکدیگر قرار گرفته بودند. از مهم ترین پیامدهای این رقابت ها حمایت از نهادهای کهن حکومتی و حفظ وضع موجود سیاسی و زیر نفوذ قرار دادن اعیان و اشراف کشور بود. فروش امتیازهای متعدد در عمل کشور را فلج کرده بود. واگذاری شلالت و گمرک، تاسیس بانک، استخراج معادن، احداث راه و راه آهن از مهم ترین این امتیازها بود که روی هر فته بیزاری مردم از بیگانگان و سیاستمداران کشور را در پی داشت. این گونه بود که به تدریج زمینه های عینی انقلاب مشروطه آماده می شد.

در این وضعیت هر گونه تغییر در جامعه ایرانی نیازمند پشتوانه های فکری بود. گذشته از رساله ها، نمایشنامه ها، داستان ها، اشعار و شب نامه هایی که در آن دوره منتشر می شد، از مهم ترین پشتوانه های نظری جنبش مشروطه را باید روزنامه هایی دانست که در این دوره، خارج از کشور چاپ می شدند. این روزنامه ها با چهره های که از جامعه ایرانی و جوامع متدمن عرضه می داشتند، تاثیر چشمگیری در روشن کردن آذهای ایرانیان و شکل گیری انقلاب مشروطه داشتند، به ویژه که «ایجادکننده تحولی عمیق در نثر فارسی و ادبیات انقلابی و فرهنگ توده ای» بودند. بنابراین خواندن و درک مطالب آنها برای عموم مردم ممکن بود. بیشتر این روزنامه ها، در خارج از کشور چاپ و منتشر می شدند. این مساله گذشته از آنکه سبب می شد آنها آزادانه تر آرا و عقاید خود را بیان دارند، فضایی را برای مقایسه میان «ما» و «غرب» برایشان فراهم می کرد. این مقایسه سبب می شد تاکید بر مولفه ها و عواملی ویژه برای ترقی و پیشرفت در ذهن آنها شکل بگیرد.

روزنامه پرورش به مدیریت میرزا علی محمدخان کاشانی در تاریخ ۱۰ صفر ۱۳۱۸ (۱۹ ژوئن ۱۹۰۰) در قاهره پایتخت مصر تاسیس شد. پرورش که به صورت هفتگی منتشر می شد از نشریه های مورد توجه زمانه خود بود. پرورش در مجموع در ۳۳ شماره چاپ شد. روزنامه پرورش در شمار چند روزنامه تاثیر گذار بود که تاثیر عمیقی در روشن سازی افکار ایرانیان داشت. نویسندگان و به ویژه مدیر روزنامه، میرزا علی محمدخان کاشانی در تلاش بودند تا در کنار نقد دولتمردان و ساختار فاسد اداری- سیاسی، مولفه ها و عوامل لازم برای پیشرفت و ترقی ایران را به مخاطبان خود معرفی کنند. این موضوع به خوبی از مقاله هایی که در مورد ایران در آن نوشته شده، پیداست. همین دغدغه پیشرفت و حس میهن دوستی بود که سبب

شد در پی مسافرت دوم مظفرالدین شاه به اروپا، راهی اروپا شود تا دیدگاه سیاسیون ایرانی را درباره آینده ایران بداند. سفری که موجب شد وی بسیاری از شهرهای اروپا همچون پاریس، لندن، آتن، بوداپست و همچنین شهرهایی از آلمان، رومانی و عثمانی را ببیند و به مقایسه ایران و تمدن اروپا بپردازد. سرانجام روزنامه پرورش در شماره بیست و سوم «به جهت آهنگ تند و حملات شدید به اصول اداره و تشکیلات دولت ایران، به ویژه به علت انتقاد سخت از روش و عملیات مخالف میهن پرستی امین السلطان از ورود به ایران منع شد. با این حال تا شماره ۳۳ منتشر شد و به طریق مخفی وارد کشور شد.» به دنبال توقیف پرورش، میرزا علی محمدخان، به بیماری سسل دچار شد و در سال ۱۹۰۲ در حلوان مصر درگذشت.

مولفه های پیشرفت در اندیشه روزنامه پرورش به شرح زیر بودند:

## غیرت

شاید بتوان گفت محوری ترین مفهومی که اندیشه ترقی پرورش را تحت الشعاع قرار می دهد «غیرت» است. به طوری که مفاهیمی چون «علم» و «دانایی» دوری از «جهل» و «نادانی»، «اتحاد»، دوری از «تفرقه»، «اخلاقیات»، «جهد» و «کوشش» که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت همه در حول این مفهوم تبیین و تحلیل می شوند. پرورش بسیار می کوشید تا با اصرار بر مفهوم «غیرت» ایرانیان را در راه آبادانی وطن خود به حرکت در آورد. از نتایج مفهوم غیرت در اندیشه پرورش «وطن دوستی» است. حس میهن دوستی است که پرورش را در مبارزه با استعمار، هوادار کشورهای می کند که به مقابله با استعمار برمی خیزند. اگر چه تلقی پرورش از مفهوم «غیرت» تا حدودی نمایانگر میهن دوستی و شاید حتی ملی گرایی است. اما در برخی از مطالب پرورش که این مفهوم در آن مورد استفاده قرار گرفته، تلقی از «غیرت» فراتر از وطن دوستی است.

## کوشش، جد و جهد

از جمله مهم ترین مفاهیم دیگری که پرورش بسیار بر آن تاکید می کند، کوشش، جد و جهد است. در نگاه پرورش آنچه باعث عقبماندگی ایرانیان از اروپاییان شد «کاهلی» و «تنبلی» است. پرورش در تمایز میان شرقی و غربی به خلاء مفهومی مهم در میان شرقی ها اشاره می کند. مفهوم تنبلی را در کنار مفهوم جهل به کار برده و این دو را از جمله دلایل انحطاط مشرق زمین دانسته است. به طور کلی آموزه های اسلامی تاکید بسیار بر تلاش و جدیت در کارها می کند. چنان که مفاهیم چون «سعی» و «جهد» به کرات در قرآن مورد تاکید قرار گرفته اند. احادیث و روایات به جا مانده از ائمه اطهار مسلمانان را بسیار تشویق به فعالیت و کوشش در راه تامین نیازهای فردی و جمعی می کنند تا حدی که بر اساس این آموزه ها هر جد و جهدی که فرد معتقد به مبنای دینی برای تامین خود، خانواده یا جامعه اش می کند، نوعی عبادت محسوب می شود.

نبرد تلاش و کوشش در میان ایرانیان در مطلبی که پس از سفر کاشانی به اروپا، در بیان شهرت هریک از شهرهای اروپا نوشته شده است، به ایرانیان گوشزد می شود. تاکید پرورش بر مفاهیم تلاش و کوشش، مناسب

و منطقی است. زیرا هر طرحی برای توسعه جامعه، خواهان خواه نیازمند تلاش بیشتر آن جامعه است.

## مفاهیم علم، دانایی، نادانی و جهالت

بخش زیادی از مطالب پرورش را به خود اختصاص داده است. تاکید بر این مفاهیم در دوره ای از تاریخ ایران روی می برد که اکثریت قریب به اتفاق جامعه در بی سوادی به سر می برد اما پرورش که از مصر، سرزمینی نزدیک به اروپا، به مسایل و مشکلات ترقی ترقی ایران می نگرد و دغدغه پیشرفت ایران را در سر دارد با مقایسه میان ایران و اروپا، در پی تشویق نخبگان ایرانی در ایجاد شرایط لازم برای علم آموزی است. نکته ای که روزنامه پرورش به آن توجه ندارد این است که گسترش نظام آموزشی در غرب خود معلولی است که عوامل گوناگون موجب شکل گرفتن آن شدند؛ عواملی که در جامعه ایرانی هرگز شکل نگرفت، تا شرایط ایجاد آن معلول ها هم فراهم شود. انقلاب های دموکراتیک، استقرار دولت ملی، جامعه صنعتی جدید که در آن «کار» به محوری اساسی تبدیل شد، منطق تقسیم کار و تخصصی شدن فزاینده کارها، ایجاب می کرد که نظام آموزشی همگانی و رایگان در کشورهای صنعتی شکل بگیرد.

از مطالب این روزنامه علاقه شدید آن به ایجاد مدارس جدید به خوبی مشهود است. پرورش حتی پای خود را از این هم فراتر می نهد و در فضای جامعه قاجاری که هنوز مردان فرصت آموزش به شیوه جدید را نداشتند، خواستار آموزش دختران می شود. البته گزارش های مربوط به نظام آموزشی در ایران باستان حاکی از آن است که تعلیم و تربیت در ایران قدیم تنها در میان اشراف و بزرگان دربار معمول بوده است اما نکته اساسی این که طرز تعلیم و تربیتی که از زمان مادها در دربار ایران رواج داشته در نوع خود بی نظیر بوده، به گونه ای که توجه یونانیان را به خود جلب کرده بود و از زمان هردوت به بعد آنان تعلیم و تربیت را از ایرانیان فراگرفتند. گسترش حضور زنان در عرصه آموزشی نیز، همچون گسترش نظام آموزشی در غرب که بر اساس برخی پیشوایان علمی صورت گرفت، به همین ترتیب بوده است. بنابراین با توجه به اینکه در این دوره صنعتی شدن و نیاز به نیروی کار بیشتر و ارزان تر در ایران روی نداد، نمی توان انتظار حضور زنان در نظام آموزشی را نیز داشت. فراتر از این، تحت تاثیر ملاحظات نظامی، گام های اولیه برای مدرن سازی تعلیم و تربیت در ایران برداشته شد و در سال ۱۸۵۱، مدرسه دارالفنون در ایران تاسیس شد.

## اخلاق

این مفهوم به این دلیل در اندیشه پرورش اهمیت دارد که از دیدگاه این نشریه «عمده پریشانی و خرابی هر مملکت فساد اخلاق ابنای آن است.» پرورش اگر چه بر علم بسیار تاکید دارد اما پشتوانه «علم» را «اخلاق» می داند. از نظر پرورش «علم بی اخلاق و دین بی اخلاق موجب خرابی عالم است» و بر همین اساس است که توصیه می کند اخلاق افراد از کودکی باید زیر نظر مداران باتربیت باشد. به طور کلی وجه اجتماعی اخلاق از اهمیت زیادی در توسعه یک کشور برخوردار است. به گونه ای که برخی به آن به عنوان عامل اصلی پیشرفت و ترقی می نگرند. در واقع هر چه وحدت اخلاقی فراگیر تر و ژرف تر باشد، جامعه محکم تر و قابل زیست تر خواهد بود اما در نظامی که با تضادهای آشتی ناپذیر همراه است، بین نیاز به اخلاق انسانی و منافع متضاد افراد ناسازگاری عمیق وجود دارد. در جامعه عادلانه جدا از قابلیت های فردی می توان اخلاق عامی به وجود آورد که بر اساس آن وحدت انسانی ملموس و ممکن شود؛ البته اهمیت اخلاق تنها در شکل و محتوای آموزشی نیست، پرورش ضمن اینکه یکی از مهم ترین تفاوت های ما و اروپاییان را در فاصله علم و عمل می داند، از جمله دلایل این

